

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۸ بهاباضمیمه ۲۰ ریال

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟ صفحه ۲
- اخباری از جنبش دانش آموزی صفحه ۵
- گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها
- گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی

با ایمان به نیروی شکست ناپذیر

توده های زحمتکش ایران، با قاطعیت تمام
به نبرد با امپریالیسم غارتگر آمریکا برویم!

صفحه ۱ ضمیمه

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا
از جنگ جهانی دوم ببعد

صفحه ۱ ضمیمه

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائتی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتری

شیوه برخورد پرولتری

یا خرده بورژوازی؟ - ۴ -

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

صفحه ۶

اخباری از: کردستان قهرمان

صفحه ۷

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان
امپریالیسم خواهیم کرد!

صفحه ۱ ضمیمه

جنبش گارگری

■ ارتجاع نتوانست، حتی یکماه کارگران را در خانه کارگر تحمل کند!

■ کارگران بیکار فروین

صمن شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی، به مبارزه خود برای کار، "خانه کارگر" و ... ادامه می دهند

■ اعلامیه مشترک عده ای از

کارگران کارخانه شادان پور و داروسازی عبیدی

■ گامی در جهت افشای

سندیکای کارگران بیکار - اصفهان و حومه -

صفحه ۳

ما به همراه تمام
نیروهای انقلابی و
توده های آگاه خلق
رفراندم کذائی را
تحریم می کنیم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

"نگاهی به کارنامه استادان خوزستان"

(۳)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ج - مدنی، همدستان و دوستان
به اصطلاح انقلابی وی
و مسئله رئیس‌جمهوری

مدنی در ماه‌های با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۶ مردادماه ۵۸) درباره همکاریانش می‌گوید: "ما کسانی را به کار دعوت کردیم که در پارتی‌ها تریبون داشتند... ما فقط دنبال انقلابی و ما هدستیم..."

حال ببینیم این افراد "پاک و انقلابی" و عوامل سرپرده امپریالیسم و ارتجاع کسب با مدنی جلاد همدستی کرده اند تا با توطئه چینی و حادثه آفرینی زمینه مناسب را جهت آماده سازی افکار عمومی برای کشتار خلق عسرب و انقلابیون و سرکوب جنبش کارگری آن ایجاد کنند، چه موجوداتی هستند.

۱ - هاشمی، مشا و روحوقی تیمسار مدنی، دادستان خونخوار استان مرکزی در زمان دولت نظامی ازاری.

۲ - حمدالله آملی، معاون مدنی، همدستان سرتپ رزمی عامل کشتار رفیعی سینما رکن آبادان!

۳ - توکل ساکت، معاون مدنی در امور رسیدگی به شکایات که سند دریا بافت مدار "یا بدو" سرپرده کیش، اخیراً توسط نیروهای انقلابی منتشر شده است.

۴ - شیخ گرمی روحانی ثروتمند و مرتجع که از طرف مدنی به سرپرستی "کانون فرهنگی-اسلامی اعراب" منصوب شد. کانونی که در ایجا دتفرقه بخصوص بین کارگران عرب و فارس نقش مهمی ایفا کرده است. این شیخ مزدور که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شد و هم کانون نما بنده مجلس

خبرگان است، یکی از مداحان شاه خاشن می باشد که در کتابش تحت عنوان "نتایج الفکر" بمناسبت جشن تولد شاه، و خوش آمد

مولف در پایان کتاب دو قصیده بلند را که خود در مدح شاه سابق بزبان عربی سروده آورده است. قصیده اول بمناسبت چهارم آبان و دومی خوش آمد به شاه در یکی از سفرهایش به خوزستان است. این دو قصیده از صفحه ۴۲۲ تا ۴۲۵ کتاب مزبور را دربر میگیرد.

ترجمه چند خط از شعرا و زیر عنوان "جشن میلاد":

ای پادشاهی که از همه شاهان فراتری، همه عزت و سعادت ما مروه تو است.

در سایه عدل تو ما به چه آسایش ها که دست نیافتیم، آسایشی که مردمان را چه دستجمعی و چه تک تک شامل گشته است.

ایران را به زادروزی باید تهنیت گفت که آغاز و پایان آن با وجود تو درخشان است.

شکوه عدل تو باعث ارجمندی این میلاد است همانگونه که ثنوت میلاد (بها مبر) را ارجمندی بخشد.

دینداران از برکت وجود تو بر کشور حاکم است و به برکت تو است که میلسین، ملحدین را همه جا تعقیب کرده، آنها را می پراکنند.

۵. بخت و بهلاهای زیادی گفته است. که قسمتی از متن و ترجمه آنرا در دست شماره ۱ می آوریم. ادامه دارد

• از برکت تو است که کمونیستها تا روز ما رسیده و تا فرمان آنها مطیع گشته اند.

• بیست میلیون نفر را با چنان خردمندی رهبری میکنی که رشک جهان را برانگیخته است.

• و چند خط هم از شعر دو م تحت عنوان "خوش آمد به":

• شاهان روی زمین را نمیتوان در جلال و مقام با تو مقایسه کرد، تو چون گلی و آنتها خار.

• زما نیکه آنها از حمایت رعایای خود محرومند و برای تو حرکت ندارند، تو سیاستمدار و پسر تحرکی.

• همت تو چنان عالیه است که با حزم و کاردانی خود، کارگزاران را یک بیک اصلاح و تکمیل میکنی.

• این عشار (عرب) در حفظ نواح تو چنان استوارند که بیم کوچکترین تزلزل در آنان نمی رود.

• تا دنیا بر ریاست شمشیرهای آنان آخته و اسبانشان در نهایت آمدگی بسوی میداندند.

• سلامت و دوا مرزنگی ترا از جان و دل خواستارم. هم در عشق و محبت و هم در غوغا اند.

۴۲۲- نظر ترفی الکون

الاولی: تحت عنوان "بدا
یا ما لکما فاق النواک و زاد
فی الناس عزت جمله و فرادی
متشتماً بک مبداء و معاد
شرف النبوة عظم البلاد
طول البلاد يطاول الاعیاد
و بک الدعاء تطارد الاحاد
متفتناً و معیهم متقاد
اولاک عات بها الزمان فساد

نتایج الفکر

فی شرح الباب الحادی عشر

هذا الكتاب الذي بين يديك هو القسم الرابع من هذه السلسلة وهو يتكلم البحث عن الامامة بأخر طرز قد جمع بين حرية البحث والدقة في التفسير والتعكير بناءً على فهمنا. ويبحث في نهاية المطاف من المبادئ الجسامة وشرح ما ينطق بأبحاث الباب العادي عشر شرح

محمد الكردي

عن الطبع مطبوعه لا لاؤلف

طبع سنة ۱۳۸۰

مطبعة العلم

سند شماره ۱

كلمة ختام ۴۲۵-

ولا يقاس ملوك الأرض فيك علا
تراخلد الكلك عن غيبى رعيتهم
فولك في همه شماماً محتزماً
و زى مشاثرهم المرحوب جانبها
سوفهم لانزال الدر فاعامة
قللم وعش حادماً فلأباً و منقلباً

كلمة ختام

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!
سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا نیه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید.

تصحیح: در پیکار ۳۰ صفحه ۲۴ در مورد تحریم رفتارندم قانون اساسی "از آنجا که سرما به داری وابسته را... شتباها، از آنجا که سرمایه داری... چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود.

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش کارگری



ارتجاع نتوانست ، حتی یکماه کارگران را درخانه کارگر تحمل کند !

در حالیکه کمترین آریکما از تصرف خانه کارگر بدست توانای کارگران می گذرد ، ارتجاع و حجت زده و هرا ، ساک از تشکل و ضدبستگی آنان ، اوباشان فدا ره بند خود را سراغ کارگران می فرستاد که آنها نشان با فشاری بر روی حقوق ابتدائی شان می باشد . روز جمعه ۵۸/۹/۲ اعلامیه ای با عنوان "خانه کارگر را آزاد سازیم" و مضمون : بعد از نماز جماعت جلوه خانه کارگر جمع شویم و آنرا از دست مزدوران امپریالیسم! پس بگرییم و با امفای ما ختگی" گروهی از کارگران مسلمان " در میان مردمی که بسوی دانشگاه تهران می رفتند ، پخش شد (وقتی مزدوران ریز و درشت وابسته به ما واک و امیر - ما بالیم ما نندستیم! راکر ، رئیس دفتر ویژه شاه ، شیمپا رولی الله فلاخی قاتل مردم شیراز و... بعنوان عناصر انقلابی در راه کارها باشند ، طبیعی است که کارگر مبارزی که به گرسنگی خود وزن بچاهش اعتراض میکند ، آمریکا می معرفی شود !)

بعد از نماز جماعت ، حدود ۱۵ نفر اوباش مجهز به پنجه بوکس ، با توپ و کلت ، در حالیکه فریاد می کشیدند مزدوران آمریکا می در خانه کارگر جمع شده اند و نزدیک به ۲۵ نفر مزد ملحق که خود را ماوران همیشه معرفی میکردند سوار بنزهای سیاه رنگ بودند ، پیشاپیش آنها حرکت میکردند ، و حشاشنه به خانه کارگر حمله کردند و حدود ۸ نفر کارگری که درون آن بودند ، بطرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار دادند و از خانه کارگر بیرون کردند . این مزدوران و عوامیل سرمایه داران با پنجه بوکس به کارگری که نزدیک ۶۰ سال داشت چنان غریبه وارد کردند که بحالت اغما افتاد . آنگاه بسبک گاردهای

● اوباشان کارگر پیر ۶ ساله ای را با پنجه بوکس آنچنان زدند که بحالت اغما افتاد .

وحشی رژیم مزدور شاه ، تمام پیشه های اظافها را شکستند . کارگران خشمگین و خون آلود سینه های خود را در برابر سلاحهای آمریکا شمشیر با سدا ران باز کردند و گفتند : "ای مزدوران ، شما آمریکا می هستید یا ما ؟ شما نوکر آمریکا هستید یا ما ؟ شما در حالیکه برای فریب ما کارگران شمار ضد آمریکا می دهید عملا اقدام ضد آمریکا می انجام نمی دهید ، در حالیکه ما عمل خواهیم کرد و آمریکا و عمالش که شما از آنها پشتیبانی میکنند نابود خواهد نمود . وقتی ما مبارزه میگردیم و در خرابیها فریاد می کشیدیم ، بعد از آنه نوبت آمریکا است ، شما کجا بودید ؟ ما شما را خوب می شناسیم ! شما آن موقع در اداره حفاظت کارخانه ها از سرمایه داران مواظبت می کردید ! همان سرمایه داران را نیکه در هیئت حاکمه هستند و شما برای سرکوبی ما فرستاده اند . آری شما هراستان از همبستگی ما است ، این را خودمان خوب می دانیم . اربابان شما از تشکل ما وحشت دارند ، به همین خاطر نمیتوانستند ما را با تمام اینجا ببینند . اما کور خوانده اند ، ما سلاح خود را پیدا کرده ایم ، ما در سایه همبستگی با زابینجا را پس خواهیم گرفت . کارگران چون تعدادشان زیادند و نپراکنده شدند ، در حالیکه بهیچ وجه قضیه را تمام نموده نیستند . آنها در حالیکه با سروصورت خون آلود مسمم ، پراکنده میشوند ، گفته دوستان را بیاد می آوردند که روز (۵۸/۸/۱۴) در خانه کارگر گفت : "دوستان ! بیورژوازی برای خود قاتونی دارو آن اینکه هر کارگری که اعتراض کند ، با پدسکوب شود ! ما کارگران هم قانونی داریم و آن اینکه تا زمانیکه سرمایه داری و استثمار وجود دارد ، مبارزه خواهیم کرد ."

در رابطه با اخراج سدا کارگر مبارز کارخانه ، نادان بورژوازی که کارگران را از خانه دارو سازی عمیدی اعلامیه مشترکی از طرف عده ای از کارگران این دو کارخانه انتشار یافت که ، ملاحظه می کنید : اعلامیه مشترک عده ای از کارگران کارخانه نادان بورژوازی عمیدی

کارگران مبارزان با ردیکر سرمایه داران از لبرفتن برادران کارگر ما را از کارخانه ها اخراج کردند . آنجا فقط و فقط بفرسود خود می باشند و برای جلو گیری از کم شدن آن حاضرند . هر جناحی دست بزنند . از جمله اینکه کارگران را به بهانه های بوج دسته دسته اخراج کنند ، و به این ترتیب به صف بیسما ربیکا ران بها فزاند . وقتی تعداد ربیکا ران زیاد شد و بیرون کارخانه صف طولی از کسانیکه جویای کار هستند بوجود آمدنوقت کارفرمای زالوصفت میتواند فشارش را به کارگران زیاد کند . مثلا می تواند مزد کارگران را کاهش دهد - واگر با اعتراض آنها مواجه شد براحتمی میتواند آنها را اخراج کند و زمین بیکاران کارگر را استخدام نماید . بدین ترتیب بخوبی می بینیم که کارفرما از صف بیکاران بسنوا ن چماق سرکوب کارگران ناغل استفاده میکند . ما باید تلاش کنیم تعداد کارگران بیکار هر چه کمتر شود ، تا سرمایه داران خوینخوا رتوانند از بخشی از کارگران (بیکار) بر علیه بخش دیگری از کارگران (ناغل) استفاده کنند . در اینجا را ببله بسن مبارزه کارگران بیکار روکارگران ناغل روشن می شود .

اولین قدم ما در حمایت از کارگران بیکار این است که نگذاریم تعداد کارگران بیکار را آنچه که هست بیشتر گردد . برای اینکار باید مانع اخراج کارگران از کارخانه ها شویم . باید متحداً از یکدیگر در مقابل کارفرما حمایت کنیم .

کارگران زحمتکش! سرمایه داران زالوصفت برای اینکه اخراج کارگران را شویسه کنند دست به هزار ریزش و فریب میزنند تا بقیه کارگران نتوانند به حقیقت آگاه می باشند تا از کارگران اخراج شده حمایت نکنند . در اینجا وظیفه کارگران مبارز آگاه است که برای بقیه کارگران حقایق را افشاء کنند . مثلا در طی چند روز گذشته عده ای از کارگران کارخانه نادان بور (۳ نفر) وعده ای از کارگران دارو سازی عمیدی (حدود ۱۰ نفر) را اخراج کرده اند . این مسئله مخصوص این دو کارخانه نیست . در چند ماه گذشته دهها هزار کارگر از صدها کارخانه در سراسر کشور اخراج شده اند . این مطلب را حتی مقامات دولتی که همیشه سعی در پنهان کردن حقایق میکنند ، نمی توانند انکار کنند . ما هر روز شاهد آن هستیم .

ای کارگران زحمتکش به شوش با شیدا بدانید که هر چه صف بیکاران طولی تر شود چماق سرکوب کارفرمایان زالوصفت سنگین تر می گردد . برای جلوگیری از اخراج کارگران و برای حمایت از بیکاران باید متحد شویم ،

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

گامی در جهت افشای سندیکای کارگران بیکار اصفهان و حومه

بودند که در عمل نشان دادند تا چنانچه اندازه به حرفها پشان پایدار هستند .
بقیه در بیرون به علت جو حاکم و دور- خیزی که از قبل رژیم در جهت سرکوب حرکت انقلابی بوده ها کرده بود و در این رابطه خانه کارگران اصفهان را هم مثل سایر شهرها بسته بود ، با مشکل تنهایی و عدم تحرک سندیکا مواجه شدند .

این ها بجای افشای نما بیندگانی که به سرکار رفته و کارگران را قائل گذاشته بودند ، سکوت کردند و ندر پرده از سازشکاری ها و زدوبند های آنان در محل کار با نمایندگان اداره کار و شرکت آمریکایی فلورنسا بین که در آن برای دفاع از منافع کارگران به قول خودشان مبارزه می کردند! این برداشتن بعدها همین نمایندگان تا غل به همراه یکی از نمایندگان که تا غل نبود ، وقاحت را تا آنجا کشادند که با حزب جمهوری اسلامی که فقط تصرف خانه کارگر را بطور غیرقانونی جهت متمرکز کردن شوراها فرمایشی اش در اصفهان و حومه را داشت ، به مذاکره نشستند و در عمل با آنان سازش کردند آنان بجای آنکه کارگران را جمع کنند و با آنکه به نیروی لایزال کارگران انقلابی اصفهان و حومه خانه نشان را و محل قانونی سندیکای پشان را با زبانی بگیرند ، آن را گدایی کردند .

در جواب با درخواست کارگران که چرا اعلامیه چاپ نکردید و یا به هر شکل دیگر ما را جمع نکردید (توضیح اینکه بعضی از کارگران مجبورند از فاصله ۱۵۰ کیلومتری و یا حتی دورتر به اصفهان بیایند) ، جواب دادند که چون کمیته اجازه چاپ اعلامیه را به ما نمی داد ، ما هم نمی توانستیم و حق نداشتیم اجتماع کارگری تشکیل دهیم !!

علت چیست ؟
چرا بعضی از همین آقایان در جریان مبارزات اولیه برای تشکیل سندیکای آن طور فعالیت می کردند و بعد از آن که سندیکا ثبت شد و حتی از طرف دولت به رسمیت شناخته شد ، این گونه به دلجن را سازشکاری و خیانت افتادند . علت این است که آنان تنها برای رضای خودپرستی شان اقداماتی کردند و نه برای طبقه کارگر و اگر هم حرکتی انقلابی پیچیده شده در حقیقت در تائید فشار و خواست ممرانه کارگران بوده و نه ناشی از اندیشه انقلابی نمایندگان . (۸)

بقیه در صفحه ۸

رفته و مجدداً آراء کار را به تصرف خود در آوردند . این با رجوع آقای ابوترابی پشش برای شکستن تحمن کارگران آمدولی توفیق نیافت . کارگران می گویند تا به آنها خانه کارگر ندهند آراء کار را ترک نخواهند کرد . و تا تاریخ تهیه این گزارش (روز پنجشنبه اول آذر) در آراء کار متحمن هستند . کارگران بیکار روز چهارشنبه در خطا هرات فدا مهربا لیم آمریکا شرکت کردند و پس از آن همیما می مجدداً به آراء کار برگشتند .

نوشته زبر رایک کارگر بیکار از اصفهان برای نشریه پیکار فرستاده است
این سندیکای از ابتدای شکل کارگران و زحمتکشان ایران در اوایل انقلاب به شکل کرده ام آبی کارگران چند شرکت پروژه های خارجی اصفهان در مسجدی و پس از آن در خانه کارگر قوام یافت .

پس از نوروز سال جاری در بهار آزادی راه پیمایی مسالمت آمیز کارگران از سوی بازاریان و مرتجعین به خون کشیده شد ، و در جریان تیراندازی چندین نفر زخمی و کارگری مبارز بنام ناهاروفیقیا که از قبل توسط مرتجعین شناسایی شده بود ، در جریان از دست دادن در محل استانداری اصفهان ترور شد !! وعده زیادی نیز بازداشت شدند . پس از آن کمیته و بازاریان کوشیدند از اجتماع کارگران جلوگیری نموده و به عناوین مختلف جمعاعات کارگری آنان را از طریق تیراندازی و دستگیری و بازداشت نمایندگان برهم زدند .

کارگران پس از جمع بندی حرکات خود تصمیم به ثبت سندیکا و قانونی کردن آن گرفتند . پس از انتخابات غیردمکراتیکی که در مرداد ماه انجام شد ، عده ای نماینده شدند که از ما هیت و قاطعیت آنان خودکارگران هم بطور مودرصد مطمئن نبودند . حتی بعضی از آنان از همان آغاز به جای برخوردی اصولی با مشکلات کارگران به کاغذ بازی و چاپلوسی افتاده بودند . و همین ها در جریان انتخابات و بعد از آن با دست بندی و جبهه گیری علیه کارگران مبارزو آگاه در سندیکا موجب منزوی شدن آنان شدند . و به اصطلاح میدان را از وجودشان پاک کردند !! و این طور استدلال می کردند که این ها نمی خواهند منطقی باشند! و منطقی مبارزه کنند !

آنان پس از این پاک سازی !! از وجود کارگرانی که با انتقادات اصولی خود به نحوه رفتار روبرو گردیدند نمایندگان با مشکلات کارگران موی دماغ آنان شده بودند ، با خیال راحت وارد گود شدند ، چرا که حالا سندیکای هم ثبت شده بود . لیکن در عمل سازشکاری ، نا آگاهی و خود مرکز بینی عده ای مشخص شد . این عده در اولین شرکت ساختمانی که شروع بکار کرد ، به پنهان دفاع از منافع کارگران تا غل استفاده شدند . در حالی که در اساتامه به دقت نوشته شده که نمایندگان حق داشتن هیچگونه شغل انتفاعی را ندارند . و حتی دوسه نفر از همین حضرات خودشان در شورای موسس سندیکای هم عضو

اینجا هستند ولی می بینم که شما کارگران بیکار در اینجا هستید و شروع کرده به نصیحت کردن کارگران و کوشش در ترغیب آنها ختن بین آنان و سرانجام به آنها قول داد در صورتیکه کارگران تخمنا را بشکنند تا روز دوشنبه کار برای آنها پیدا خواهد کرد . کارگران صبح شنبه تحمن خود را موقتاً شکستند . اما روز دوشنبه هم آمدولی از کار خبری نشد . کارگران روز سه شنبه در حیا ط فرمایند (خانه موقت کارگر) اجتماع کردند . و پس از آنجا بسوی آراء کار

هما - توره که سرما به داران خوینوار متعده اند ، آنها در درون دولت سرما به داری متعده اند و ما با بد در درون سندیکای او شورا های واقعی متحد می شویم .

کارگران زحمتکش! ما بخوبی حمایت رژیم حاکم را از سرما به داران در زندگی خود لمس کرده ایم .

مگر وزارت کار را می سرما به داران نیست ؟ مگر کشتار کارگران قهرمان پارس مینسو در خرمدره توسط پاسداران نشانه حمایت رژیم حاکم از سرما به داران نیست ؟ مگر داد و ستد های کلان از طرف رژیم به سرما به داران نشانه پشتیبانی از آنها نیست ؟ هیچکس نمیتواند این حقایق را انکار کند .

ما عده ای از کارگران این دوکارخانه حمایت خود را از کارگران خارجی اعلام می کنیم و خواهان بازگشت آنها به سرکار هستیم و در این رابطه توطئه کارفرما را برای اخراج این عده ، شدیداً محکوم می کنیم .

۱ - کارگران تا غل با پیدا کارگران بیکار حمایت کنند و اولین قدم در این راه جلوگیری از اخراج کارگران می باشد .

۲ - کارگران تنها با اتحاد و همبستگی به حقوق حقه خود می رسند .

"عده ای کارگران کارخانه شادان با ورود ارسازی عمیدی"

مبارزات ضد امپریالیستی کارگران بیکار قزوین

کارگران بیکار قزوین ضمن شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی بمبارزه خود برای "کار" ، "خانه کارگر" و ... اقدام می دهند .

در پی تحمن کارگران بیکار قزوین در فرمانداری ، به آنها قول داده میشود که تا روز چهارشنبه ۱۶ آبان همگی آنها توسط چند کارخانه به استخدام درآیند . اما همانطور که انتظار میرفت کارگران بیکار قزوین در روز چهارشنبه با عدم انجام قول داده شده روبرو گشتند . و به همین دلیل و تحت فشارهای مختلف زندگی ، با خشم و نفرت نسبت به سرما به داران به خیابان ریختند و شعارهای چون وعده و وعیدان نعیشه ، اتحاد اتحاد کارگران اتحاد ، را فریاد کردند . در سرانجام بدون اخذ نتیجه ای متفرق شدند . در روز پنجشنبه کارگران بعد از یک راه پیمایی شوا مبارزانه آراء کار را تصرف کردند . صحبت های "وحدانی" رئیس سپاه پاسداران نتوانست آنها را به ترک آراء کار وادارد . بلکه کارگران خود را از آراء کار اخراج کردند . "وحدانی" میگفت که علت بیکاری شما کارگران وجود کشتار و رزانی است که به شهر آمده اند ! روز جمعه حاج سید عباس ابوترابی (روحانی شهر) به جمع کارگران آمد و به آنها گفت که بما گفته بودند که عده ای ضد انقلاب

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

ایلام

خلف" وعده "نما بینده" استانداری
بدنبال عدم اجرای وعده‌ای که نما بینده
استاندار به دانش آموزان متحصن دبیرستان
امیرکبیر (که خواستار آب و برق برای دبیر -
ستان نشان بودند) داده بود ، بار دیگر روز شنبه
۵۸/۸/۱۹ ، کلیه دانش آموزان این دبیرستان
بعنوان اعتراض از رفتن بکلاس خودداری کردند
و اعلام نمودند تا رسیدن به خواسته‌هایشان سر
کلاس حاضر نخواهند شد .

ارومیه

شکنجه و آزار دانش آموزان مبارز
شب ۵۸/۸/۱۶ ، سه نفر از دانش آموزان
مبارز دبیرستانهای ارومیه که با نوشتن شعار
روی دیوار راه افشای ماهیت مجلس خبرگسان
پرداخته بودند ، توسط پاسداران دستگیر و
به کمیته برده می‌شوند و در آنجا بوسیله کمیته -
چی ها (که بیشترشان همان ساواکپه‌های
سابق اند) شکنجه می‌شوند . بدنبال این
حادثه ، دانش آموزان مبارز دبیرستان بمعنوی
دست به تظاهرات می‌زنند و طی آن خواهش
آزادی فعالیت سیاسی و دانش آموزان اسپر
میگردند . سه روز بعد دانش آموزان زندانی
آزاد میشوند .

نمین

دستگیری بجرم طرز تفکر
در نیمه دوم آبان ماه در نمین یکی از
توابع اردبیل ، شش نفر دانش آموز و چند نفر
دکتر که سابقه مبارزاتی هم داشته‌اند ، به
اتهام کمونیست بودن دستگیر شده‌اند ، از
سروش دستگیرشدگان تا کنون اطلاع در دست
نیست .

کشمیری

هرکس اعتراض کند ضدا نقلابی است
بدنبال اعتراض دانش آموزان دبیرستان
دخترانه نظامیه این شهر به کمبود کلاس در آمو-
زشی و دیگر نارسائیهای دبیرستان ، مدیر
دبیرستان دانش آموزان را به مف کرده و ضمن
سخناتی میگوید : " باید با همین وضعی کنه
هست بماند ، و اگر کسی اعتراض کند ، بعنوان
ضدا نقلابی اخراج میشود ."

تبریز

سماون دبیرستان دخترانه ابران خدمت
را بجرم عدم سرکوب دانش آموزان در موقع
تظاهرات و اعتصاب منتقل کرده‌اند .

حمایت دانش آموزان از دیپلمه‌های بیکار

توانست تحمل کند ، با چاقی بدستان مزدور
به صفوف آنها حمله کرد . بدنبال این حادثه
دانش آموزان دبیرستانهای مذکور ، روزهای
۵۸/۸/۱۶ و ۵۸/۸/۱۷ ، دست به تظاهرات و سخن در
دبیرستانهای خود زدند و خواستار دستگیری و
محاکمه مهاجمین چاقی بدست شدند .
(نقل به اختصار از : "درمدا رس چه میگذرد ؟"
شماره ۵ نشریه دانش آموزان مبارز تبریز)

بروجرد

روز ۵۸/۸/۱۴ بسیاری از دانش آموزان
دبیرستانهای ۱۲ شهریور ، آلابوش ، محبوبه
متحدین ، مدیقه‌رانی ، ... و همایون کثرتی
به پشتیبانی از دیپلمه‌های بیکار و متحصن در
داگستری ، دست به تظاهرات زدند و سپس به
صفوف آنها پیوستند . اما ارتجاع که همیشه
دانش آموزان را با دیپلمه‌های بیکار رانمی -

دستگیری یک دانش آموز ، به اتهام خواندن اعلامیه ضد آمریکا

لیستی بوده‌ها هر روز واج تازه‌ای میگردند
هیئت حاکمه میکوشد ، ضمن مهار کردن آن خود
را پرچم‌دار این مبارزه معرفی کند !
بدنبال این واقعه عده‌ای از مردم شهر
و خانواده دانش آموز شیدا اعتراض کرده و از
فرماندار توضیح می‌خواهند . فرماندار تحت
فشار افکار عمومی ، طی نامه‌ای به مرکز سپاه
پاسداران تبریز ، و خیم بودن اوضاع شهر را
متذکر میشود . پس از این نامه ، دانش آموز
دستگیر شده آزاد میگردد . در زیر نسخه‌ای از نامه
فرماندار هشترو در ملاحظه میکنید :

هشترو (سراسکند)

روز ۵۸/۸/۲۲ عده‌ای از دانش آموزان
هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
اعلامیه‌ای تحت عنوان "بعدا ز شاه نوبت آمر -
یکاست" در دبیرستان مولوی بخش میکنند . یکی
از دبیران این دبیرستان دانش آموزی را در
حال مطالعه اعلامیه مذکور شنا ساشی کرده و
او را به مرکز سپاه پاسداران هشترو معرفی می-
کند . بلافاصله چند پاسدار به دبیرستان ریخته
و دانش آموز مزبور را دستگیر و به مرکز سپاه
پاسداران تبریز اعزام میکنند . این اعمال
زمانی انجام میگردد که مبارزات ضدا مبررا -

شماره و رمی
شماره خصوصی
وزارت کشور
استانداری آذربایجان شرقی
فرمانداری هشترو
نوع پیش‌نویس
موضوع پیش‌نویس
مشورل تاریخ بایگ نویسی
تاریخ تحریر ۲۵۳ تاریخ ۲۵۳ تاریخ خروج ۲۵۳

شماره ۱۰۰
پرونده ۱۰۰
تاریخ ۱۰۰
موضوع ۱۰۰
مشورل تاریخ بایگ نویسی ۱۰۰
تاریخ تحریر ۱۰۰
تاریخ ۱۰۰
تاریخ خروج ۱۰۰

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نقدی بر مواضع چریکهای
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتاری

— ۴ —

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوایی؟

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل عام یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

خود از سازش و بندوبست با بورژوازی حاکم و با نیروهای ضد خلقی چه در منطقه مانند فتودالها و قباذه موقت و چه سوسیال -

قرار گرفته اند. جناحهای رهبری حزب علیرغم پوشش ایدئولوژیک متفاوت (روزیونیستی و لنینیال ناسیونالیستی) مجموعاً نماندگی

قبل از پرداختن به مواضع و نحوه برخورد رفتاری فدائی نسبت به حزب دمکرات کردستان تا آنجا که با این مقاله مربوط میشود، مختصراً به مواضع، نظرات و محتوای طبقاتی این حزب در سالهای اخیر و عملکردهای کنونی آن میپردازیم.

سازمان اولیه این حزب در حدود ۲۵ سال پیش بوجود آمد و تقریباً یکسال (۲۴ - ۲۵) تحت رهبری عناصر مترقی و ملی همچون قاضی محمد با ایجاد جمهوری مباد قدرت را در محصل دست گرفت.

پس از یورش قوای نظامی شاه مزدور در سال ۱۳۲۵ و شکست حکومت ملی قاضی محمد در محل این سازمان به شعبة ایالتی حزب توده تبدیل گردید که تحت نام دمکرات عمل می نمود.

طی دهه چهل عناصر مابریزوا انقلابی کرد با مرزبندی با سیاستهای محافظه کارانه و اپورتونیسم رمازش کاری حزب یک جریبان انقلابی را در سالهای ۴۵-۴۷ پایه گذاری کردند که به جنبش خلق کرد، تحرک و غنای بیشتری بخشید. اما این جنبش انقلابی که در اساس آن انقلابیونی چون رفیق شریف زاده و دمکرات های انقلابی ای چون ملا واره و... قسراً در دستند با یورش همه جانبه و جنگا رانه ارتش مزدور شاه و تحت فرماندهی اویسی جیلاد سرکوب گردید. رهبری حزب دمکرات فرصت طلبانه از این شکست در توجیه سیاست محافظه کارانه و بی عملی خود بهره جست و در خارج از کشور هم چون برادران تنی خود (رهبران حزب توده) در انتظار فرصت نشست و با او جگری مبارزات خلق در مالهای اخیر به بران نقل مکان کرد. نویژه بعد از قیام با استفاده از خلا سیاسی موجود در کردستان و بهره گیری فرصت طلبانه از سابقه مبارزاتی حزب در گذشته دور توانست سرعت سازمان یابی مجدد دست بزند.

نگاهی به برنامه و اساسنامه و ترکیب رهبری در برنامه و اساسنامه حزب دمکرات مصوبه کنگره ۱۹۷۲ چنین ذکر شده:

"آرمان نهائی حزب دمکرات کردستان ساختمان جامعه عادلانه، سوسیالیستی است..."

"۲۳- زمین به کسی متعلق است که روی آن کار می کند. همه زمینهای دشمنان خلق در بین دهقانان فاقد زمین تقسیم می شود..."

همچنین ماده ۳ اساسنامه میگوید:

"حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی شامل جامعه پیروی می کند. در اساس این حزب عناصر ملی - لیبرال و روزیونیستی (مدرن) (نوع حزب توده ای)

حزب دمکرات در اعلامیه ای تحت پوشش دفاع از خلق کرد، مبارزه دهقانان زحمتکش با ملاکین ضد خلق را محکوم می کند!

س.ج.ف.خ. با قراردادن کلیه "سازمانهای سیاسی خلق کرد" در یک ردیف و با سکوت کامل درباره ماهیت لیبرالی و سازشکارانه حزب دمکرات و "انقلابی" قلمداد کردن آن، مرزبندی نیروهای طبقاتی با اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنباله روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را از یاد برده است.

امیریا لیم شوروی و با حکومت ضد خلقی عراق ابائی ندارد.

حزب دمکرات و مسئله ارضی

نا بودی تمام اشکال ما قبل سرمایه داری یکی از اساسیترین مسائلی است که حل آن وظیفه انقلاب دمکراتیک است. حل مسئله ملی کردستان از مبارزه دهقانان زحمتکش بر علیه بقایای ملاکین و خانها جدا بی ناپذیر است. امروزه مبارزه دهقانان زحمتکش بر علیه ملاکین و بقایای فتودالیسم یکی از مضامین اصلی مبارزه خلق کرد را تشکیل میدهد. رهنمود برنامه پرولتاریائی اینست که با ماداره ارضی ملاکین بنبغ دهقانان زحمت کش میتوان راه غلبه بر موانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در این منطقه عقب افتاده را هموار کرد. حال بیخیم سیاست حزب دمکرات کردستان در مورد مسئله ارضی چیست؟ کمیته مرکزی حزب دمکرات در یکی از اعلامیه های خود درباره مسئله ارضی هم از ملاکین که به ارضی دهقانان هجوم آورده و خواهان بهره های مالکانه هستند و هم از دهقانان زحمتکش که بحق زمینهای ملاکین را ماداره کرده و از هستی خود در مقابل (هجوم) وحشیانه آنان دفاع میکنند انتقاد کرده و چنین میگوید: "...منا سانه دوشوع برداشت نا درست از مسئله ارضی بوجود آمده است. از یکطرف در بعضی نقاط برداشت نادرست صاحبان زمین (!!) موجب تجاوز و دبت انده ازی به کشاورزان شده و... از طرف دیگر برخی از برادران خوش نشین ما چنین میبندند از رند که اکنون دیگر هرج و مرج و بی بند و باری (!!) حکمفرماست... هرکس مستقلامی - تواند زمین مالک قبلی و یا مزرعه همسایه خویش را غصب کرده و شخم بزند." (تاکید از ما ست)

بورژوازی را دارند. خط مشی و سیاست آن اساساً بورژوازی و متضاد این حزب با بورژوازی حاکم از متوله تضاد بورژوازی ملت مستعبد (با تمامی خصوصیات بورژوازی در مرحله انقلاب دمکراتیک توده ای در عصر امیریا لیم) با بورژوازی ملت حاکم متمگر است. بدون شک در درون حزب گرایشات خرده بورژوازی دمکرات وجود دارد که در رهبری نمانده اند و در خط مشی عمومی و سیاست عملی حزب برودتوا شیر قابل توجهی ندارد. حزب بخش قابل توجهی از خرده بورژوازی مرفه شهری و خرده مالکان و دهقانان متوسط کرد را در بر گرفته است. ترکیب رهبری، برنامه و اساسنامه و سیاست و خط مشی آن ماهیت بورژوازی و نقش و حضور فعال جریان روزیونیستی مدرن در آنرا آشکار میکند. در مورد مسئله وابستگی حزب همانطور که در قسمت اول همین مقاله در بیکار ۲۸ ذکر کردیم مسئله وابستگی اش اساساً جنبه ایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی داشته و تکیه بر مزدور بودن و جاسوس بودن عنصرها عناصری از رهبری در بیان خصلت وابستگی و سیاستهای حزب را نادرست میدانیم.

با اینکه برنامه حزب هدف نهائی خود را با اصطلاح ساختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی (نوع حزب توده ای) قرار داده و اساساً نام آن میگوید: "حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی تکامل جامعه پیروی میکند"، ترکیب طبقاتی آن به موجب ماده ۲ اساسنامه شامل طبقات مختلف کردستان میگردد. همانطور که فوقاً ذکر شد خط مشی و سیاست عملی حزب سیاسی است بورژوا - لیبرالی که آشتی طبقاتی را تبلیغ کرده و در محدوده تنگ ناسیونالیسم بورژوازی قرار می گیرد. "حل" مسئله ملی است و در این راه با اعتبار ماهیتش برای دستیابی با هدف

اخباری از: کردستان قهرمان

در هفته آخر آبان ماه دینفرجاش توسط پیش مرگان دستگیر شده و به مقر "کلهوی" (بین پیرانشهر و سردشت) برده شدند. جانشان التماس کرده و ادعا میکنند که به سبب بی پولی بیهوشی اینکار رکنیده شده اند، پیش مرگها با قبول گرفتن از آنها که دیگر جانشی (مزدوری) نکنند آنها را آزاد کردند. روز پنجشنبه ۸/۲۴ دوجاش مذکور حدود ۴۰ تا ۵۰۰ با سدا روارشی راهی مقر مذکور را همراهی کرده و مقر را ساعت ۴ صبح محاصره میکنند، جنگ شروع میشود. خبر درگیری به پایگاههای دیگر پیشمرگان میرسد و عدهای پیش مرگ به یاری محاصره شدگان می آیند. در این درگیری مواضع پیش مرگها توسط فانتوم و هلیکوپتر مورد هجوم قرار گرفت. درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه یافت. حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر نیروهای دولتی (که ۳۰ نفر آنها جانش بودند) کشته شدند. یک پیشمرگ شهید و دو پیشمرگ دیگر زخمی شدند. در این درگیری یک هلیکوپتر سرتنگون شد.

سنندج

تظاهرات به پشتیبانی از افسر مبارز؛ بهروز بهروزنیا همزمان با مذاکرات هیئت دولتی در کردستان، فرمانده ژاندارمری کردستان، سرهنگ شریفی به افسر مبارز، بهروز بهروزنیا دستور به مبارزان مردم سردشت را می دهد، اما این فرزند دلاور خلق کرد زیر بار اطلاعات کورکورانه نرفته و فرمانده مذکور را با شلیک گلوله از پای درمی آورد. بدنبال این واقعه، بلندگوهای دولتی فریبکارانه اعلام کردند که افسر نامبرده قتل یافته هلیکوپتر را ربوده و به عراق برود. زهی وقاحت و بیشرمی مردم قهرمان ایران بیاد دارند که رژیم مزدور آریا مهری هم بارها و بارها کوشید حرکات انقلابیون ما را با نسبت دادن به کشورها بیگانه از جمله عراق، لوث نماید. آری، ارتجاع کوراست. ارتجاع فقط تا نوک بینی اش را می بیند، اینست که با وجودیکه تجربه سقوط رژیم پوتالی شاه خاش بیخ گسوش اوست، همچنان به شیوه های شکست خورده آریا مهری متوسل می شود.

بدنبال دستگیری افسر مبارز توسط دیگر سربازان هلیکوپتر، مردم مبارز سنندج در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ طی تظاهرات با شکوه و چندین هزار نفره خود بمنظور پشتیبانی از افسر مذکور و آزادی بدون قید و شرط وی شعار میدادند:

"ارتش ضد خلقی نا بود با بدگردد"

بهروز بهروزنیا، این فرزند خلق ما آزاد با بدگردد.
"خودمختاری حق ماست،
آمریکا دشمن اصلی ماست."
در همین رابطه روز پنجشنبه ۸/۲۴ / ۵۸
اعتصاب عمومی اعلام شد و همه مغازه های شهر بسته بود.

تنگ و نغرت بر فریبکاران

سردشت

آزادی اسیران کارگر
در تاریخ ۵۸/۸/۲۰ ستن به اسمی قاسم یزدیان کارگر کشتارگاه، متولد اراک، مقیم شهران، نورالله تاکی کارگر اهل شهرضا، احمد آغاسی کارگر نواشی اهل شهرضا که بدنبال عوا مفریسی ارتجاع برای جنگ به کردستان رفته و اسیر پیشمرگان کومه له شده بودند، پس از مذاوای زخمهایی که در جریان جنگ برداشته بودند و نیز پس از تشریح خواستهای عادلانه، خلق کرد برای آنها، آزاد شدند. (بمنقل از خبرنامه، کومه له شماره ۹)

مروان

اعدام انقلابی حسن بیگ نجی (نهجی)

ساعت ۹ شب ۵۸/۸/۹ رگبار مسلسل های پیشمرگان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان قلب نا پاک یکی از بزرگ جاشهای منطقه، مروان را از کار انداخت. این مزدور کثیف حسن بیگ نجی نام داشت و در زمان شاه خاش مدتی مسئول گروه ضربت ژاندارمری شاهنشاهی و نیز از فعالان ساواک منحل بود. بیگ نجی پس از قیام شکوهند خلقهای ایران، رنگ عوض کرد و مانند بسیاری دیگر، یکشنبه "انقلابی" شد و به خدمت ارتجاع درآمد و با تمام قوا به پیاده کردن نقشه های شوم مرتجعینی چون چمران پرداخت. وی از جمله کسانی بود که فرمانده در جنگ های ضد انقلابی سقز، بانه، سردشت و درگیری با ساکاه درکی و... شرکت کرد و به کشتار خلق کرد پرداخت.

از مهمترین فعالیتها ی این جاش بزرگ شرکت در به محاصره در آوردن و شهید کردن فوادمطلق سلطانی و شهید تهمورت اکبری است.

اعدام این مزدور بمنزله، اخطاری است بتمام جاشها و جاسوسان کرد و سایر مرتجعینی که برای سرکوب خلق قهرمان کرد به خدمت ارتجاع درآمدند.

(با استفاده از اعلامیه ۵۸/۸/۱۶ کومه له)



بقیه از صفحه قبل
اعلامیه مزدور تحت پوشش دفاع از وحدت خلق کرد میا رزه دهقانان زحمتکش با ملاکین ضد خلق را محکوم میکند. چنین است مفهوم پیروی از "تئوری علمی تکامل جامعه" برای "یا ختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی" و "واگذاری زمینهای ضد خلق به دهقانان بی زمین". از دیدگاه حزب دمکرات!!

س.ج.ف.خ. و

حزب دمکرات کردستان

س.ج.ف.خ. بجای پیش گرفتن یک سیاست پرولتری نسبت به حزب دمکرات یعنی افشای لیبرالسم و سازشکاری آن وسیع در خارج کردن نوده ها از توهم ورهائشی از نفوذ این حزب به آرایش آن پرداخته و بدنبال روی آژان به زاده حزب دمکرات در کردستان تبدیل شده است. بهانه س.ج.ف.خ. درباره کردستان میگوید: "این روزها در هر گوشه از ایران می شنوم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده اند. هسته اصلی این مبارزه جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آنست. این روزها اینطور تبلیغ میشود که گویا آرای مردم بسود حزب دمکرات در انتخابات مجلس خبرگان نتیجه تحمیل و فشار اسلحه بوده است و دهقانان کردها هیچکدام حزب دمکرات را قبول ندارند... اگر آرای خلق کرد می برسید آنها رای خود را به حزب دمکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد نمایندگانش محترم شمعیا رسید آن مسئله دیگر است. چنانچه واقع بین باشیم، چنانچه به حقایق گردن نهیم باید ببینیم که توده خلق کرد به سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نماینده خود می شمارند." (همه جا تاکید از ماست). آیا هیچگونه وجه تشابهی بین این بر خورد س.ج.ف.خ. به یک حزب بورژوازی با آنچه که تا کنون در مورد سیاست و شیوه برخورد کونیستها نسبت به احزاب بورژوازی گفته ایم میتوان یافت؟

س.ج.ف.خ. با قرائت دادن کلمه "سازمان" نهی سیاسی خلق کرد "در یک ردیف و بسا سکوت کامل درباره ماهیت لیبرالی و سازشکارانه حزب دمکرات و "انقلابی" قلمداد کردن آن مرز بندی شیروهای طبقاتی بسا اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنبال روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را از یاد برده است. گویا از نظر س.ج.ف.خ. "یک سازمان سیاسی" صرف نظر از محتوا و تعلق طبقاتی آن بصرف اینکه یک سازمان سیاسی است نماینده خلق محسوب میشود. چنانچه اساساً بقیه در صفحه ۸

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست



گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها

ما با اجساد خویش بسوی پیروزی پل زدیم
پس، رفقا! به پیش!
(از یک شعر فلسطینی)

ساواک در اطاق او میباید کار گذاشته بود تا
او را ترور کنند.
پس از این حادثه، رفیق محمد در
دانشکده پلی تکنیک دست به یک افشاگری علنی
زد و سپس مخفی شد و فعالیت مبارزاتی خود را
در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران
ادامه داد. او در بخش کارگری سازمان فعالیت
میکرد و در تدریس و انتشار نشریه "قیام کارگر"
نقش فعالی داشت.
در سومین سالگرد شهادت او، بخون
با کفش و به آرم انقلاقی اش سوگند می‌دیم
که تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم جهانی،
تا برپایی جمهوری دموکراتیک خلق که راه پر
شکوه طبقه کارگر را بسوی جامعه سوسیالیستی
خواهد گشود، از پای نشینیم و انقلاب عظیم
توده‌های مان را که تا تمام مانده و در اسارت
میوه چینان انقلاب و عاقبت جویان زدیروز افتاده
است، بقیمت جان خویش به پیروزی رسانیم.
خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها و
برادر مبارزش مرضی همچون دیگر شهدای راه
آزادی و استقلال ایران گرامی باد.

در آبان ماه سال ۵۵ یکی دیگر از انقلابیون
پرکار و ارجمند را هراشی خلق، یکی دیگر از
فرزندان راستین خلق زحمتکش ما، یکی دیگر
از ستارگان سرخ انقلاب خدا به بریا لیمستی،
دموکراتیک و فداستمناری توده‌های ما که
صبح روشن فردای زحمتکشان را در آن شب تاریک
دوران شاه نوید میدادند، یعنی رفیق شهید
محمد حاج شفیعیها (فتح الله)، در یکی از خیابان‌های
شهران، بیست و دو سالگی در آنجا ساواک به
شهادت رسید.

رفیق در ۱۳۲۸ متولد شد و دوران تحصیلی
را در دبستان سعادت و دبیرستان شریعتی
(پهلوی سابق) و دو سال نیز در رشته برق
دانشکده پلی تکنیک تهران گذراند.

در سال ۵۵، برادر بزرگتر و مرتضی که
خود را دانشجوی آگاه و مبارزی بود و در دانشکده
شیراز به تحصیل زبان انگلیسی مشغول بود،
در اثر انفجار بمبی که در خوابگاه او و یوسف
بپیوست با یک دانشجوی دیگر شهادت رسیدند.
رژیم شاه شاهان اعلام کرد که آن دو در حال ساختن
بمب بوده اند ولی رفیق شهید محمد معتقد بود که

بکشاند (لنین - شیوه برخورد ...)

حتی بغرض محال هم که حزب دمکرات به
قول رفقای فدائی یک حزب دمکراتیک با گرا -
بیانات لیبرالی " باشد و این قفاوت رفقا
نیز صرفاً از این ضعف باشد که تا کنون تحلیل
جامعی از حزب دمکرات کردستان ارائه نشده
است. ببینیم در این حالت و بنا بر این
ارزیابی مفروض هم برخورد از مواضع پرولتر
ی چگونه باید باشد؟

"نوسان در دهقانان و احزاب دموکراتیک
دهقانی اجتناب ناپذیر است. حزب سوسیال
دموکرات (کمونیست) لحظه‌ای هم نباید از ترس
اینکه می‌باید چنین نوساناتی منجر به انسوا
شود، دست و پای خود را کم کند. هر بار که تروید -
ویکها از خود عدم‌شما مت‌نشان می‌دهند و به
دنیا لوری از لیبرالها می‌افتند، ما نباید
بدون ترس و با قاطعیت تمام با ترویدویکیها
مقابله وستی و ناپیکیری خرده بورژوازی
آنان را نشان و عقیم کنیم. لنین، همانجا
"بگذارید دهقانان بداندند - ما باید با
استفاده از حقایق این راه آنها نشان دهیم -
که تنها حزب کارگران مدافع واقعا قائل
اعتماد و با ایمان منافع نه تنها سوسیالیسم

بقیه از صفحه ۲

گامی در جهت ...

اکنون آبان در میان کارگران محبوبیت
خود را از دست داده اند و از طرف کارگران مبارز
و سازش‌ناپذیری که در کنار آنها نما بنده‌ای که
به آنان حیانت نکرده است و با بهای نشان مانده
و حکیده، در معرض تمعیه هستند. تلاش این
سما بندگان سازشکار و فرصت طلب برای ابقای
خود، تلاش واپسین دم بوده و دیگری نمی‌باید
که کارگران آگاه و مبارز در یک بازسازی
انقلابی همگی عناصر سازشکار را نشان را تصفیه
کرده و سدیکارا را منظور که مورد خواست واقعی
کارگران است، تبدیل به یک سدیکای انقلابی
خواهد نمود. زیرا برای کارگران سازشکار
بجز اتحاد و مبارزه در راه پیروزی خلق‌ها
راه دیگری وجود ندارد.

(ه) - در تاریخ ۵۸/۸/۲۵ یکی از همین
آقایان نمایندگان در جواب انتقادات اصولی
و منطقی یکی از کارگران مبارز، ضمن استفاده
از شیوه‌های سرکوب ارتجاعیون مثل تهمت زدن
به اینکه تو کارگریستی و ضد انقلابی هستی
و غیره، دست به چاقو برده و کارگر مبارز را
زخمی و مضروب می‌نماید. این‌ها تا ما نتیجه
سکوت کارگران در برابر نمایندگان خاشن و
سازشکار است که بجای خدمت به آنان، خیانست
را بپوشه خود کرده اند.

کارگران سیکار اصفا در همان روز در
سدیکا جمع شده و بشدت اعمال ارتجاعی
نمایندگان لیم را نکوهش کردند.

بقیه از صفحه قبل

شیوه برخورد ...

منعقد ما شنیده سازمان‌های سیاسی کسود
نمانده خلق کرد نیستند چگونه خواهیم
توانست از طریق مذاکرات و طرق سیاسی، نه
نظامی مسئله کردستان را حل کنیم؟
آیا این بجز دفاع از بورژوازی و راه
"حل" مسئله کردستان از موضع و تماللات
خاشانه بورژوازی است؟ نتیجه این سیاست
جبری جز هدایت کردن توده‌های زحمتکش کرد
بدنیا لوری و بزیاده بورژوازی تبدیل شدن
است؟ و این "نمانده" انقلابی خلق کرد
مسئله ملی را بجز در محدوده خواست بورژوا -
زی و مدستی و بندوبست با بورژوازی ملت
های دیگر بغیر پرولتاریا و زحمتکشان "حل"
خواهد کرد؟

"وظیفه فعال ادامه، به فرجام
رساندن و رهبری انقلاب دمکراتیک بر می‌رسد
پرولتاریا قرار گرفته است. انجام این وظیفه
تنها در صورتی ممکن است که پرولتاریا
بتواند توده‌های خرده بورژوازی دمکرات
خصوص دهقانان را در مبارزه علیه استبداد
و بورژوازی لیبرال خیانکار بدنیا ل خود

در فراندنم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!